

معرفی موقوفات حوایبگم

عفت خوشنودی^(۱)

چکیده:

وقف را می‌توان عمومی‌ترین پدیده تعاون، همکاری و مشارکت بشری دانست که از قدیمی‌ترین دوره‌های تاریخی در جوامع مختلف و میان اقشار گوناگون مردم وجود داشته و پس از اسلام با تأثیر پذیری از جهان بینی اسلامی به صورت استوار و جهت دار در میان مسلمانان مطرح شده و مورد استقبال زنان و مردان مسلمان قرار گرفته است.

جالب توجه این که، زنان مسلمان در اجرای این سنت حسنه، پا به پای مردان مسلمان جهت وقف اموال و دارایی‌های خود برای رضای خداوند و بهره‌مندی اقشار مختلف مردم به ویژه قشر محروم جامعه، تلاش نموده و آثار موقوفه قابل توجهی از خود به یادگار گذاشته‌اند. که یکی از این زنان واقف "حوایبگم" می‌باشد.

ما در این مقاله سعی داریم با معرفی این بانوی واقف - که یکی از بانوان خیر و واقف اصفهانی عصر صفویه بوده است -، به بیان موقوفات ایشان - که جزء آثار تاریخی اصفهان بوده و متأسفانه اکنون اثری از آنها به جای نمانده - پرداخته و سپس کاربرد هر یک از آثار تاریخی موقوفه ایشان را توضیح دهیم.

کلید واژه‌ها:

وقف، عصر صفویه، موقوفات، حوایبگم.

مقدمه:

آنچه راجع به وقف و آثار موقوفه در عصر اسلامی ایران در حال حاضر وجود دارد بیانگر این مطلب است که این آثار از دوران آل بویه، سلجوقیان و دیلمیان رشد یافته و در دوره صفویان به اوج خود رسیده است. علت رشد فزاینده آثار موقوفه در دوره صفویان رواج و گسترش فرهنگ تشیع در ایران اسلامی می‌باشد و به علت این که پایتخت این دولت اسلامی در شهر تاریخی اصفهان واقع گردیده بود، بیشترین آثار موقوفه این خاندان در این شهر قرار گرفته است.

طبق اسناد و مدارک موجود از امور وقفی مربوط به دوره صفویان بیشترین درصد واقفان این دوره، شاهزادگان، درباریان، حکمرانان و وزرای علم دوست و خیر این خاندان بوده‌اند که با انگیزه‌های مختلف و با اهداف خدایسندانه؛ بیشتر یا تمام اموال خود را در جهت منفعت رسانی به عامه مردم خصوصا قشر محروم جامعه وقف نموده‌اند.

بر اساس آمار به دست آمده از میان واقفان دوره صفویان که بیشترین موقوفات ایران از این خاندان به شمار می‌آید، حدود یک سوم موقوفات مربوط به زنان عصر صفویه است که یکی از این زنان خیر «حوا بیگم» می‌باشد.

این بانوی خیر با دارا بودن تعداد زیادی موقوفات که شامل: مسجد، مدرسه، حمام، تیمچه، کاروانسرا و قصر می‌باشد؛ از جمله زنان فعال در عرصه گسترش سنت حسنه وقف بوده و موقوفات ایشان جزء آثار تاریخی اصفهان در عصر صفویه به شمار می‌آمده که به عنوان میراث تاریخی و فرهنگی نقش مؤثری در جهت دهی به اهداف اسلامی و مذهبی و فرهنگی و اجتماعی در عصر صفویه داشته است. ما با هدف معرفی آثار موقوفه این بانوی خیر و کاربرد هر یک از موقوفات ایشان؛ به نتیجه تأثیر شگرف وقف بر گسترش فرهنگ دینی و مذهبی اسلامی و هموار کردن راه‌های توسعه اقتصادی و پیاده کردن عدالت

همسرش میرزا رضی ساخته و وقف نموده می‌توان به: کاروانسرا، تیمچه، حمام، مسجد و مدرسه اشاره نمود.

چنانچه در کتب تاریخی ذکر نموده‌اند این بانوی بزرگوار در زمینه سرودن شعر و خطاطی هم دستی توانا داشته که متأسفانه از اشعار و نمونه‌های خط وی نشانی بر جای نمانده است. حوا بیگم در زمان شاه صفی و به دستور او و به علت نامعلومی همراه با سه فرزند پسرش در رجب سال ۱۰۴۱ هجری قمری نابینا شدند.

آثار:

۱. تأسیس مدرسه حوا بیگم
۲. تأسیس مسجد حوا بیگم
۳. تأسیس حمام حوا بیگم
۴. تأسیس تیمچه حوا بیگم
۵. تأسیس کاروانسرای حوا بیگم
۶. تأسیس قصر حوا بیگم

وقف مدرسه در عصر صفویه

مدرسه در فرهنگ اسلامی در معنای اخص خود به جایگاهی اطلاق

اجتماعی دست خواهیم یافت.

معرفی حوا بیگم

حوا بیگم چهارمین دختر شاه عباس اول صفوی است. وی در سال ۹۹۶ هجری قمری متولد شده است و در دربار صفویان بزرگ شد تا به سن ازدواج رسید.

وی ابتدا زن میرزا رضی شهرستانی معروف به منشی الممالک، صدر اعظم شاه عباس گردید. (۲)

این زن خیر و نیکوکار با کمک همسر خود و با بهره بردن از اموالی که در اختیار داشتند به ساخت و وقف نمودن بناهای عام‌المنفعه پرداختند، به عنوان مثال قصر حوا بیگم که به همت همسرش ساخته شد، به نام قصر منشی یا قصر میرزا رضی نیز شهرت پیدا کرد تا آنجا که امروزه اگرچه اثری از این قصر باقی نمانده است اما محله‌ای از اصفهان به نام «قصر منشی» شهرت پیدا کرده است که قبلاً این قصر در این محل قرار داشته است. از دیگر اقدامات این بانوی خیر که به کمک

می‌گردد که برای نشر آموزه‌ها و علوم اسلامی و شاخه‌های وابسته به آن با حمایت مالی دولتی و یا خصوصی ایجاد می‌گردد. در واقع مدرسه نتیجه کوشش‌های بی‌شماری بود که برای ایجاد فعالیت‌های آموزشی خارج از مساجد به عمل آمده بود، و از نظر معماری با الهام‌گیری از مساجد و پشته‌های معماری اسلامی، معماران طرح‌های خود را به گونه‌ای اجراء کردند که کلیه نیازهای موجود در یک محیط آموزشی برآورده شود.

از نظر معماری، فضاهای ویژه‌ای به مدارس اختصاص یافت که در احداث اکثر مدارس مورد لحاظ قرار گرفت. این مشخصه‌ها عبارتند از: درون‌گرایی کلیه فضاهای مدرسه، استفاده از ایوان در بنا و تأکید بر آن از نظر ساختاری، نمایی و بصری به ویژه تبعیت از شیوه چهار ایوانی، ایجاد حجره‌های مجزا و اختصاص یک یا چند فضا به عنوان مدرس؛ اختصاص یک فضا با یک محراب بر دیوار سمت قبله به عنوان نمازخانه و سایر فضاهای خدماتی

مدرسه مانند وضوخانه و آبریزگاه. کلیات مذکور که در مدارس دوره‌های مختلف به عنوان یک الگوی ثابت در طراحی مدارس رعایت شده‌اند به تدریج تا دوره صفوی تکمیل‌تر شدند. در دوره صفویه به دلیل اهمیت وقف، احداث مدارس بیش از هر زمان دیگری مورد توجه قرار گرفت. چنانچه در کتب تاریخی تعداد مدارس احداث شده در دوره صفویه در اصفهان را بیش از ۸۰ مدرسه ذکر کرده‌اند.

از جمله انگیزه‌های واقفان از ساخت مدارس علاوه بر اعتبار دنیوی، باقیات و صالحات محسوب می‌شد که واقف می‌توانست از بهره معنوی آن پس از مرگ بهره‌مند گردد و چنانچه از اسناد موقوفه مشخص می‌گردد بیشتر واقفان از خاندان سلطنتی یا از اشراف بودند و دلیل این موضوع این بود که ساخت مدرسه هزینه بسیاری را در بر داشت که تنها کسانی از عهده آن بر می‌آمدند که توان مالی بسیاری داشتند و در واقع از خاندان سلطنتی و یا از وابستگان به دربار بودند.

بوده، کتیبه سردر آن چنین خوانده شده است:

«بسم الله الرحمن الرحيم. قد وفق ببناء هذه المدرسة في زمن دولة السلطان الاعظم و الخاقان الاكرم، مولی ملوك العرب و العجم، قهرمان الماء و الطين مروج المذهب الاثمه المعصومين عليهم السلام، السلطان بن السلطان بن السلطان و الخاقان بن الخاقان بن الخاقان ابن مرحوم محمد باقر دولت آبادی کتبه محمد رضا الامامی الاصفهانی».

متأسفانه قسمتی از کتیبه را تراشیده بودند که نام بانی آن معلوم نباشد.

این بنا را به نام نامی آن که فرخ بخش شاب و هم شیخ است

اولین: مدرسه، دوم: طیبه

۳۰۹ ۲۶

سیمین: خالصیه تاریخ است

۷۳۶

هدف این مدارس در دوره صفویه علاوه بر تعلیم و تربیت، گسترش تشیع اثنی عشری و اشاعه آیین اسلام بود. و این امر باعث شد که در دوره صفویه اصفهان به مرکز تشیع اسلام در کل دنیا تبدیل شود. در هر مدرسه براساس وظایف و مسوولیت‌ها افرادی چون: متولی، ناظر، مدرس، طلبه، مؤذن، خادم و آبکش مشخص می‌شدند.^(۳)

معرفی مدرسه حوا بیگم

این مدرسه در محله جماله کله اصفهان به همت میرزا تقی بن محمد باقر دولت آبادی در زمان شاه عباس ثانی در سال ۱۰۷۱هـ.ق ساخته شده و چنانچه سید نعمت الله جزایری در شرح حال خود نوشته این مدرسه را میرزا تقی برای سکونت او ساخته و چند سال سید نعمت الله جزایری در آن مدرسه ساکن و به تحصیل اشتغال و از مدارس نامی آن زمان به شمار می‌رفته است.

از این مدرسه هم اکنون اثری باقی نمانده است ولی در موقعی که دایر

طبق شعر فوق معلوم می‌گردد که نام مدرسه، «طیبه خالصیه» بوده است که به مدرسه «حوا بیگم» شهرت داشته است. (۴)

طبق نقل یکی از فضلا که در سابق ساکن بازارچه حاج محمد جعفر آباده‌ای بود، اظهار می‌داشت که: من در زمان کودکی به اتفاق پدرم که از علمای محل بود به مدرسه میرزا تقی که در تصرف حاج شیخ حسن بود، مکرر می‌رفتم. مدرسه بسیار بزرگی بود که در دو طرف، دو حیاط خلوت داشت و معروف بود که مدرسه چهار در خروجی داشته یکی در کوچه آرد فروشان که به یکی از این خلوت‌ها باز می‌شد و ظاهراً همان مدرسه حوا بیگم بوده که به مدرسه میرزا تقی راه داشته و بعداً هر دو بایر و خراب شده است. ضمناً نامبرده اظهار می‌داشت که در اسپریس چاه گاه مدرسه سنگ نوشته‌ای بزرگ از زیر خاک درآورده‌اند که مربوط به مدرسه بود لیکن در آن تاریخ سن من، مقتضی آن که مطالب را بخوانم و به خاطر بسپارم نبود و اکنون

معلوم نیست آن سنگ نوشته چه شد و در کجا می‌باشد.

این مدرسه را به هر حال به مناسبت نام بانی آن مدرسه میرزا تقی و در وجه تسمیه مدرسه به نام «حوا بیگم» نظریات گوناگونی ابراز کرده‌اند!

در سال ۱۴۰۴ هـ ق وقتی آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی مدرسه را از دست ساکنین تحویل گرفتند و به بازسازی آن پرداختند در حین حفاری، سنگ وقفنامه مدرسه و موقوفات آن پیدا شد و معلوم گردید واقف اصلی مدرسه میرزا تقی بن محمد باقر دولت آبادی می‌باشد و در ادامه به همسر واقف یعنی «حوا بیگم» هم اشاره شده که اموالی را مطابق وقفنامه شوهر وقف نموده و به مناسبت نام او مدرسه را به نام «حوا بیگم» می‌خوانده‌اند.

به هر حال این مدرسه در جمادی‌الثانی سال ۱۴۱۷ هـ ق با نام مدرسه خالصیه افتتاح شد و همچنان که در قدیم دو طبقه بود، در زمان بازسازی و تعمیر در دو طبقه ساخته شده است. (۵)

این مساجد در ابتدا با طرحی ساده آغاز گردید و به مرور زمان بناهای باشکوهی ایجاد شد و در همین دوران بود که بنای گنبد، گلدسته، کنگره‌های مشبکی رواق، صحن و شبستان ایجاد گردید.

در خصوص اولین مساجد ساخته شده در ایران، اطلاعات ناچیزی در دست داریم. اما به گواهی منابع تاریخی و همچنین با توجه به ضرورتی که در برپایی مساجد در همان اولین مراحل احساس می‌شده، به نظر می‌رسد که بعد از گرویدن ایرانیان به اسلام، مساجد بی‌شماری بنا شده که با گذشت زمان و در اثر عوامل مختلف از بین رفته‌اند و تنها می‌توان آثار ناچیز از آن‌ها در حفاری‌های باستان شناسان پیدا نمود.

در قرن‌های سوم و چهارم هجری با شکل‌گیری دولت‌های محلی و ملی: طاهریان، صفاریان، سامانیان، غزنویان و آل بویه ساخت مساجد رشد فراوان یافت که هر چند امروزه آثار چندانی از آنان به جای نمانده است اما داده‌های

دانشمند فقیه سید نعمت‌الله جزایری در کتاب الانوار النعمانیة از این مدرسه یاد کرده است و ذکر نموده که در حدود سن ۲۴ سالگی در مدرسه‌ای که به تازگی توسط میرزا تقی دولت‌آبادی بنیان نهاده شده به تدریس پرداخته است (۶).

وقف مسجد در عصر صفویه

بنیان نخستین مسجد به دست گرامی آخرین فرستاده خداوند حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله در حدود سال ۶۲۲ میلادی در مدینه نهاده شد. بنیانی که پیامبر بنا نهاد، محوطه‌ای چهارگوش با دیواری ساده و کوتاه بود که با استفاده از تنه و شاخه درخت خرما، قسمتی از آن مسقف شده و در کنار، صفه‌ای ساده برای تعدادی از اصحاب پیامبر تدارک دیده شده بود. بنای اولین مسجد فاقد ویژگی‌های خاص فنی یا هنری بود. که بعد از آن با روی کار آمدن خلفاء مساجد گسترش و پیشرفت یافت.

با گسترش دین اسلام مساجد بی‌شماری در سراسر دنیا بنا شد.

باستان شناسی و منابع مکتوب تاریخی، اطلاعات زیادی راجع به آن‌ها در اختیار محققان قرار می‌دهد.

با ظهور دولت شیعه صفویان و گسترش فرهنگ و سنت نیکو و خدایسندانه «وقف» در این دوره، ساخت و ساز مسجد با اقبال بیشتری روبرو شد و شاهان مقتدر و هنر دوست این سلسله مساجد بسیاری بنا نهادند. از جمله این مساجد می‌توان به مسجد شیخ لطف‌الله و مسجد امام اصفهان اشاره نمود که هر دو از جلوه‌های کم نظیر از هنر و زیبایی به شمار می‌آیند. (۷)

معرفی مسجد حواییگم

مسجد حواییگم مسجدی بوده در حوالی مسجد حکیم و ظاهرا با مدرسه طیبیه که به نام‌های میرزاتقی و حواییگم و کلباسی نیز معروف بوده و اکنون اثری جز سنگ سقاخانه از آن وجود ندارد؛ متصل بوده است. این مسجد به نام‌های مسجد منشی و مسجد طیبیه و مسجد «حوا بیگم» معروف بوده است. (۸)

مساحت این مسجد ۲۰×۲۰ و در محله بیدآباد واقع شده است. (۹) که هم اکنون اثری از آن باقی نمانده است.

وقف حمام و گرمابه در عصر صفویه

حمام‌ها و گرمابه‌ها به منظور پاکیزگی و نظافت و شستشوی بدن ساخته شده است که علاوه بر این منظور، دقایق طبی و بهداشتی و نشاط طبع و انبساط و نزهت خاطر و طراوت و نشاط و تقویت بنیه و فواید و نتایج دیگر حتی تهییج احساسات و تذکر مفاخر و مآثر ملی نیز رعایت شده است. اغلب حمام‌ها بسیار وسیع و دلگشا و خوش اسلوب مشتمل بر دقایق و ظرایف فنی مشتمل بر بیوت ثلاثه ساخته شده است.

اجزای حمام شامل: شاه نشین‌ها، ایوان‌ها، برکه‌ها، تالاب‌ها، فواره‌ها، آب نماها، بینه، رخت‌کن، گرمخانه وسیع با خزینه‌های آب گرم و نیم گرم و سرد و خلوتخانه‌هاست.

اکثر صحن و ازاره‌ها و دیوارها با

بیت

پیشانی چارمی

و هفت باغ عمیق بر زلفش بوکست مسان عمیق

چهارمی

و هفت باغ عمیق

و هفت باغ عمیق بر زلفش بوکست مسان عمیق

و هفت کنج نامدار و هفت هدایای او

و هفت کنج نامدار و هفت هدایای او

سنگ مرمر سفید و کاشی‌های خوش آب و رنگ با نقوش و تصاویر زیبا زینت یافته و در قدیم رسم بوده که بر دیوارهای بینه و رخت‌کن اشکال تفریحی و تاریخی از باغ و باغچه و گل‌ها و میوه‌ها و مجالس بزم و میدان‌های رزم و تصویر پهلوانان با ادوات جنگ و ورزش زورخانه و امثال آن از مناظر جالب توجه، نقش می‌کردند که مدتی بینندگان را به خود مشغول می‌کرد و هر کسی را به حسب طبع و ذوقش متوجه منظره‌ای از بزم یا رزم می‌ساخت. به عنوان مثال در بعضی حمام‌ها بالای پیش‌تخته دخل، زنگی آویخته بود که به محض ورود پهلوانان و پیشکسوتان زنگ را می‌نواختند، چنانچه از طنین آن، همه اهل حمام از ورود مردی دلاور آگاه می‌شدند و این افتخار حس دلیری و مردانگی را در جوانان بر می‌انگیخت.

سقف بینه و گرمخانه حمام‌ها را عموماً گنبدی شکل ساخته و به وسیله شیشه‌های نازک محذب که بر طاق گنبدها نصب شده و به جام(عوام

جنگ می‌گویند) معروف است، فضای بیوت حمام روشن می‌شد. کارکنان حمام شامل: استاد، جامه دار، دلاک، دست و پا ساب، آبگیر، مش و مال ده، آبکش، تونتاب، صابونی و قهوه‌چی بود و لوازم حمام عبارت بود از: کیسه، مشربه، لیف، سنگ پا، شانه، آینه و تیغ. سوخت حمام‌ها تا چندی پیش از پیهین و یوشن بود که در بیابان‌ها و صحاری اطراف اصفهان فراوان بوده است و چون به فراوانی و ارزانی به دست می‌آمد حمام‌های بسیار بزرگ را با هزینه کم گرم می‌کردند. از چندی پیش به این طرف زغال سنگ و نفت سیاه معمول بود، اما دهات به حال سابق باقی است.

آب حمام‌ها عموماً از چاه کشیده می‌شد و حمام‌های بزرگ از قبیل حمام علیقلی آقا با حفرچاه‌های بزرگ تأمین می‌کردند و با وجود این که در اصفهان نهرهای جاری زیادی وجود داشته اما هیچ حمامی را با آب نهر پر نمی‌کردند به علت این که آب چاه معمولاً پاک‌تر و صاف‌تر است. (۱۰)

چنانچه هم اکنون هیچ اثری از این بنای تاریخی باقی نمانده است. (۱۲)

وقف تیمچه در عصر صفویه

تیمچه یک واژه ایرانی است. این اصطلاح به فضاهای سرپوشیده وسیعی که دارای ساختمان دو طبقه و گاهی سه طبقه هستند، اطلاق می‌گردد. معمولا سراهای سرپوشیده کوچک را تیمچه می‌نامند. پیدایش اصطلاح تیمچه و معماری آن به دوران بعد از صفویه برمی‌گردد. در اصفهان سه نوع تیمچه وجود داشته است: اول تیمچه‌هایی که ساختمان دو طبقه مسقف داشته و به شکل مربع، هشت ضلعی و یا مستطیل بودند. دوم تیمچه‌های دو طبقه با سقف و بهاربند و بدون سقف. سوم تیمچه‌های یک طبقه با سقف یا بدون سقف. از خصوصیات تیمچه‌های اصفهان، معماری و تزئین بسیار زیبای آنهاست به خصوص طاق‌های آجری آنها که بر پایه طرحی چهارگوش یا بیضی بنا شده است.

اغلب تیمچه‌های اصفهان دارای

به طور کلی در زمان صفویه ۲۷۳ باب حمام در اصفهان دایر بوده که بعضی از این حمام‌ها هنوز برپاست و بسیاری از آنها خراب و متروک گردیده است. در قرن اخیر بسیاری از حمام‌های اصفهان بهداشتی گردید و خزینه که عامل انتقال میکروب بود، به دوش تبدیل شد. حمام‌های عمومی به نمره اختصاصی و عمومی تقسیم گردید و همه آنها دارای دوش آب سرد و گرم گردید. (۱۱)

معرفی حمام حوایبگم

از دیگر اقدامات سازنده و موقوفات حوایبگم این بانوی خیر و انسان دوست عهد صفوی، ساخت حمام حوایبگم بوده است.

این حمام در خیابان قصر منشی امروزی یا پاقعه قرار داشته و مساحت آن ۲۰×۳۰ مترمربع بوده است.

متأسفانه این بنای تاریخی و هنری این بانوی بزرگوار همچون دیگر موقوفاتش دستخوش حوادث ناگوار زمان گردیده و تخریب شده است

حوضی است که به هوای داخل تیمچه‌ها لطافت و زیبایی خاصی می‌بخشد. تیمچه‌ها معمولاً از نظر مکان جغرافیایی در مراکز اصلی بازارها قرار دارند و بعضی از تیمچه‌ها به علت عرضه کالاهای گران قیمت عنوان قیصریه به خود گرفته‌اند. کالاهای تیمچه‌ها به واسطه محفوظ ماندن از امنیت بیشتری برخوردارند. تیمچه‌ها از داخل به راسته‌های اصلی بازار و از سمت دیگر به سرا و یا کاروانسرا ارتباط پیدا می‌کنند.

تیمچه‌ها در گذشته فقط محل کار بازرگانان دست اول درجه یک بوده است و دلال‌ها و واسطه‌ها به آن‌ها راه داشتند و دیگران حق مراجعه به آنجا را نداشتند، حتی خریدار و فروشنده نمی‌توانستند مستقیماً به آنجا مراجعه کنند. بازار اصفهان دارای تیمچه‌های زیادی است که متأسفانه اغلب آن‌ها به علت کم توجهی از سوی مسوولین و مردم به صورت مخروبه درآمده‌اند یا در اثر گذشت زمان به طور کلی تخریب شده‌اند. (۱۳)

معرفی تیمچه حوابیگم

از دیگر اقدامات خیرخواهانه حوابیگم همسر منشی الممالک صدر اعظم شاه عباس اول صفوی، ساخت و وقف تیمچه‌ای بوده که به نام خود «حوابیگم» شهرت یافته است.

این تیمچه با مساحت ۲۵ × ۳۵ مترمربع در محله نیم آورد در پشت قرار گرفته بوده که این اثر تاریخی و موقوفی این بانوی نیک اندیش همچون کاروانسرا، حمام و قصرش در اثر تحولات گوناگون زمان تخریب شده و دیگر اثری از آن باقی نمانده است. (۱۴)

وقف کاروانسرا در عصر صفویه

از مهم‌ترین یادگارهای گران قدر معماری ایران کاروانسراهاست که پیدایی و موجودیت آن در سرزمین پهناور ایران از گذشته بسیار دور آغاز شده و طی قرون متمادی به دلایل گوناگون اقتصادی، سیاسی، نظامی و مذهبی به تدریج توسعه و تکامل یافته است.

صفویه به خصوص در عهد شاه عباس دیده می‌شود که البته بنای این نوع کاروانسراهای زیبا و امن و مجهز در این زمان به اوج خود رسیده است.

چنان که در کتب تاریخ ضبط شده، شاه عباس تعداد ۹۹۹ باب کاروانسرا در سراسر کشور احداث نموده است. بسیاری از سیاحانی که در آن زمان به ایران آمده‌اند این کاروانسراها را نام بره‌اند و مدت‌ها در آنجا زندگی کرده‌اند.

تاورنیه نوشته است: «بعضی از کاروانسراهای ایران گنجایش یکصد مسافر را با اسب‌ها و کالاهایشان داشته، تا مسافران بتوانند مدت‌ها با آسایش و امنیت در آنجا به استراحت پردازند».

ژان شاردن تعداد حجرات و اطاق‌های یکی از این کاروانسراها را ۲۵۰ باب دانسته و نوشته است: «کاروانسرا دارای حوض بزرگی در وسط و درختان تنومندی در اطراف بوده است، بعضی از آنها به شکل مربع مستطیل بوده و در اطراف آن اتاق‌های دو طبقه ساخته شده بود. در مدخل

در کشور ایران به دلیل قرار داشتن در شاهراه بازرگانی شرق - غرب و نیز گستردگی خاک، از دیرباز به ایجاد راه‌های بازرگانی و نظامی و ساختن پل‌های متعدد و تأمین امنیت کاروان و کاروانیان به دیده عنایت نگریسته شده است.

براساس شواهد مبتنی بر اسناد تاریخی، ایران در احداث جاده و کاروانسرا و ایجاد سیستم ارتباطات خبررسانی پیش قدم بوده است. به عقیده محققین، ایجاد و توسعه و ساخت و ساز کاروانسراها در ایران از مهم‌ترین دستاوردهای معماری ایران به ویژه در دوران اسلامی است.

تنوع ویژگی‌های کاروانسراهای ایران شگفتی برانگیز و اعجاب آور است به طور کلی با بررسی و مطالعه می‌توان دریافت که هر یک از این کاروانسراها با نقشه خاصی ساخته شده و دو کاروانسرا با نقشه واحد و مشابه دیده نمی‌شود. (۱۵)

نمونه‌های بسیار جالب توجه و زیبا از معماری این گونه بناها در زمان

کاروانسرا دکان‌هایی در طرفین دالان ورودی قرار داشته است. اتاق‌های پایینی کاروانسرا دارای ایوان مهتابی و اتاق‌های فوقانی دارای صندوقخانه بوده است. کف کاروانسرا سنگ فرش و در گوشه و کنار ساختمان نیز چند چاه آب وجود داشته است. پشت ساختمان طویله یا باربند برای استراحت و خوراک حیوانات در نظر گرفته شده بود. در اطراف کاروانسرا کنیبه‌های زیبایی وجود داشته که در آن نصایحی با خط نستعلیق نوشته شده بود که برای کاروانیان سودمند و راهنما بوده است».

تعداد کاروانسراهای اصفهان را در عهد صفویه ۱۸۲ باب ذکر کرده‌اند. بعضی از این کاروانسراها هم اکنون نیز موجود هستند که به عنوان مراکز تجاری و انبار تجار و محل کسب بازاریان اصفهان مورد استفاده قرار می‌گیرند و متأسفانه بعضی از آن‌ها نیز به طور کلی ویران شده و به مراکز دیگری مبدل گردیده‌اند. (۱۶)

معرفی کاروانسرای حوا بیگم

از دیگر موقوفات حوا بیگم که به کمک همسر خود منشی الممالک ساخته و وقف نموده است، کاروانسرای است که به نام خود حواییگم شهرت یافته است. از چگونگی و محل این کاروانسرا اطلاعاتی در دست نیست. ممکن است این اثر ساخته شده توسط این بانوی بزرگوار در کنار سایر موقوفاتش قرار گرفته بوده که امروزه در اثر گذشت زمان و تحولات گوناگونی که در طول دوران‌های مختلف پدید آمده تخریب شده باشد. چنان که هم اکنون هیچ اثری از آن باقی نمانده است حتی از محل آن هم اطلاعی در دست نیست. اما آنچه مهم است این است که این کاروانسرا توسط این بانو برای کمک به مردم مستضعف احداث گردیده و عایدات آن خرج رفاه طلاب مدرسه حوا بیگم می‌شده است. (۱۷)

وقف قصر در عصر صفویه

سابقه بنای کاخ‌ها و قصرهای سلطنتی در ایران ریشه‌ای چندین ساله

یافت، به امور تفننی علاقه بیشتری نشان می‌داد و بیشتر وقت سلطنتش در تهران گذشت، احتیاج به دلخوشی بیشتری در این شهر داشت؛ بدین منظور ارگ سلطنتی اولیه را توسعه داد و ساختمان‌هایی برای آن تأسیس نمود و به همین ترتیب قصرها و کاخ‌ها در دوران‌های مختلف و با بناها و ساختمان‌های متفاوت در ایران ساخته شد.

با روی کار آمدن دولت صفویه و علاقه شاهان آن به ساخت بناهای تاریخی و ماندگار؛ ساخت این نوع بناها نیز گسترش یافت و به دلیل آن که در دوره صفویه پایتخت حکومتی آنان شهر اصفهان بود، قصرها و کاخ‌های متعددی در این شهر بنا گردید که از مهم‌ترین آنها می‌توان به کاخ چهلستون، عالی قاپو، هشت بهشت، قصر آینه خانه و تالار اشرف اشاره نمود.

قصرها و کاخ‌هایی که در دوران صفویه در اصفهان ساخته شده و امروزه نمونه‌هایی از آنها موجود است بردو گونه است: کاخ‌های پذیرایی و

دارد. کاخ‌های پرشکوه تخت جمشید و تیسفون در عهد باستان و قصور زیبای صفویه در اصفهان نمونه‌ای از سه دوره متفاوت است. ساخت و ساز این آثار بسته به موقعیت سلسله‌های حاکم فرق می‌کند و حتی ساختن کاخ‌ها و قصرها در طول زمان هر سلسله نسبت به هر شاه آن نیز فرق می‌کند. مثلاً در دوره قاجاریه ساخت و سازهای اولین شاه با ناصرالدین شاه اصلاً قابل قیاس نیست.

آقا محمدخان که در سال ۱۲۰۰ ق تهران را مقر سلطنت خود قرار داد و به اصطلاح دارالخلافه‌ای برای خود تأسیس کرد به علت جنگ‌ها و درگیری‌های فراوان نتوانست به جز تخت مرمر اثر قابل توجهی از خود به یادگار بگذارد. وی از لحاظ تأسیسات ساختمانی به همان حصار اولیه تهران که به دست شاه طهماسب اول پایه گذاری شده بود و ارگ سلطنتی آن که شامل چهارباغ و چنارستانی بود بازمانده از شاه عباس اول و کاخی ساخته کریم خان زند، قناعت کرده بود. فتحعلی شاه که سلطنتی طولانی

قصرهای نشیمن.

اکنون از میان رفته است. (۱۸)

از کاخ‌های پذیرایی که کم و بیش آثاری از آن‌ها در اصفهان بر جای مانده و امروزه جلب توجه می‌کند، کاخ عالی قاپو و چهلستون را باید نام برد و از قصرهای نشیمن که متأسفانه در اواخر دوره قاجار بسیاری از آن‌ها نابود شد فقط می‌توان به کاخ هشت بهشت و تالار اشرف اشاره نمود.

محلّه قصر منشی جزء بخش ۴ از محلات شمالی زاینده رود می‌باشد که کل محلّه منسوب به میرزا رضی همسر حوا بیگم است که در زمان شاه عباس در این محلّه قصر، حمام، کاروانسرا، تیمچه، مسجد و مدرسه احداث نموده است و چنانچه در تاریخ آمده و شواهد و کتیبه‌های موجود در آثار باقی مانده نشان می‌دهد که میرزا رضی تمامی این عمارات و بناها را به تشویق و کمک همسرش بنا کرد و بدین دلیل تمامی آن‌ها را به نام «حوا بیگم» نامید. (۱۹)

شاردن در قرن یازدهم هجری اصفهان را با لندن مقایسه می‌کند و می‌نویسد: «زیبایی شهر اصفهان بیشتر به خاطر کاخ‌های عالی و قصرهای مجلل است و اصفهان بالغ بر ۱۳۷ قصر دارد.»

محلّه خواجه‌جو از دروازه حسن آباد شروع می‌شود و پس از عبور از خرابه‌های قصرشاه حسن به مدرسه‌ای که به همین نام بوده می‌رسد که اکنون آنجا محل مدرسه صارمیه است و قبر شاه حسن نیز در آنجا بوده است. در این محلّه، قصر و حمام و مسجد حوا بیگم بوده است که به نام محلّه قصر منشی هم مشهور بوده است.

معرفی قصر حوا بیگم

این قصر در خواجه‌جوی کوچک و متصل به دروازه حسن آباد اصفهان بوده است؛ می‌گویند این قصر را منشی الممالک شاه عباس که نامش میرزا رضی بوده به نام همسرش حوا بیگم در محلّه‌ای که امروزه به قصر منشی معروف است؛ احداث نموده که هم

پی‌نوشت‌ها:

۱. کارشناس ارشد معارف نهج البلاغه، محقق و پژوهشگر.
 ۲. مشاهیر زنان اصفهان، ص ۱۵۱.
 ۳. مجموعه مقالات همایش فاضل سراب و اصفهان عصر وی، ص ۳۹ و ۱۴۳.
 ۴. آثار ملی اصفهان، ص ۴۱.
 ۵. اصفهان دارالعلم شرق، ص ۱۲۰.
 ۶. آثار ایران، ص ۳۲۴.
 ۷. دایره المعارف بناهای تاریخی ایران در دوره اسلامی، ج ۳، ص ۷.
 ۸. آثار ملی اصفهان، ص ۷۳۵.
 ۹. مشاهیر زنان اصفهان، ص ۱۸۸.
 ۱۰. تاریخ اصفهان، ج ۳، ص ۳۴۹.
 ۱۱. اصفهان زادگاه جمال و کمال، ص ۱۲۳.
 ۱۲. آثار ملی اصفهان، ص ۶۱.
 ۱۳. بازار بزرگ اصفهان، ص ۲۷۴.
 ۱۴. آثار ملی اصفهان، ص ۶۱.
 ۱۵. کاروانسراهای ایران، پیشگفتار.
 ۱۶. اصفهان زادگاه جمال و کمال، ص ۱۰۸.
 ۱۷. آثار ملی اصفهان، ص ۶۱.
 ۱۸. همان، ص ۶۱ و ۲۱۹.
 ۱۹. تاریخ اصفهان، ص ۱۳۲.
- ## منابع:
۱. ذکر اخبار اصفهان، حافظ ابونعیم، ترجمه: دکتر نورالله کسایبی، انتشارات سروش، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۷.
 ۲. ذکر اخبار اصفهان، ابونعیم اصفهانی (تحقیق: سید حسن کسروی)، بیروت، انتشارات دارالکتب العلمیه، چاپ اول، سال ۱۴۱۰ هجری قمری (۲ جلد).
 ۳. تاریخ اصفهان، حاج میرزا حسن خان جابری انصاری (تعلیق و تصحیح: جمشید مظاهری)، انتشارات مشعل، چاپ اول، ۱۳۷۸.
 ۴. تاریخ اصفهان و ری، محمد حسن جابری انصاری، ناشر عماد زاده، چاپ ۱۳۴۶.
 ۵. آثار ملی اصفهان، ابوالقاسم رفیعی مهرآبادی، انتشارات انجمن آثار ملی، چاپ ۱۳۵۲.
 ۶. مشاهیر زنان اصفهان (از عصر گذشته تاکنون)، محمدحسین ریاحی، ناشر: روابط عمومی اداره کل فرهنگ و ارشاد استان اصفهان، چاپ اول: آبان ماه ۱۳۷۵.
 ۷. تاریخچه اوقاف اصفهان، عبدالحسین سپینتا، انتشارات اداره کل اوقاف استان اصفهان، آبان ماه سال ۱۳۴۶.
 ۸. اصفهان بهشتی کوچک اما زمینی، محمدرضا شایسته و منصور قاسمی،

- انتشارات نقش خورشید، چاپ اول، بهار ۱۳۸۳.
۹. بازار بزرگ اصفهان، سیروس شفقی، انتشارات سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان و مرکز اصفهان شناسی و خانه ملل، چاپ اول، ۱۳۸۵.
۱۰. کاخ‌ها و قصور فجری، جلال فرهمند، ماهنامه بهارستان، شماره ۱۴.
۱۱. کاروانسراهای ایران، محمد یوسف کیانی و ولفرام کلاسن، انتشارات: سازمان میراث فرهنگی کشور، چاپ اول، زمستان ۱۳۷۳.
۱۲. آثار ایران، ج ۴، آندره گدار، یدا گدار و ماکسیم سیرو، مترجم: ابوالحسن سرو قد مقدم، ناشر: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد، چاپ ۱۳۶۸.
۱۳. دایره المعارف بناهای تاریخی ایران در دوره اسلامی، کاظم ملازاده و مریم محمدی، انتشارات سوره، چاپ دوم، سال ۱۳۷۹.
۱۴. مجموعه مقالات همایش فاضل سراب و اصفهان عصر وی، اصغر منتظر القائم، انتشارات دانشگاه اصفهان، زمستان ۱۳۸۲.
۱۵. اصفهان دارالعلم شرق (مدارس دینی اصفهان)، سید مصلح الدین مهدوی (تحقیق، تصحیح، اضافات، محمدرضا نیلفروشان)، انتشارات سازمان فرهنگی
- تفریحی شهرداری اصفهان، چاپ اول، ۱۳۸۶.
۱۶. تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، جلد دوم، سید مصلح الدین مهدوی، نشر الهدایه، قم، چاپ اول، ۱۳۶۷.
۱۷. اصفهان زادگاه جمال و کمال، نعمت الله میرعظیمی، انتشارات گل‌ها، چاپ اول، بهار ۱۳۷۹.
۱۸. تاریخ اصفهان. مجلد ابنیه و عمارات و آثار باستانی، ج ۳، جلال الدین همایی شیرازی، انتشارات هما، سال ۱۳۸۴.
۱۹. آشنایی با شهر تاریخی اصفهان، لطف‌الله هنرفر، انتشارات گل‌ها، چاپ چهارم، بهار ۱۳۷۶.